

ساختار نظامی و دیپلماسی در سیاست خارجی ایران: مطالعه تطبیقی دولتهای روحانی و رئیسی

انوشیروان راستگوی کلشتری^۱، مجید استوار^۲، ارسلان قربانی

شیخ‌نشین^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

چکیده: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر مؤلفه‌های متعددی از جمله نهادهای نظامی، ساختارهای دیپلماتیک و ارکان تصمیم‌گیر قرار دارد. پرسش اصلی پژوهش بدین صورت شکل می‌گیرد که نهادهای نظامی و دیپلماتیک چه نقشی در سیاست خارجی دولت‌های روحانی و رئیسی داشته‌اند و چه تأثیری بر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران گذاشته‌اند؟ پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی و در چارچوب نظری واقع‌گرایی نوکلاسیک، به بررسی تفاوت‌های ساختاری و کارکردی نهادهای نظامی و دیپلماتیک در سیاست خارجی دولت‌های حسن روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲) و سیدابراهیم رئیسی می‌پردازد. با بهره‌گیری از روش کیفی - تحلیلی و تحلیل اسناد و گزارش‌های رسمی، نشان داده می‌شود که سیاست خارجی ایران از دولتی به دولت دیگر، دچار تغییرات معناداری در سطوح اجرایی و تاکتیکی شده است. در دوره روحانی، دیپلماسی مبتنی بر تعامل با غرب و تمرکز بر مذاکرات هسته‌ای به محوریت وزارت امور خارجه شکل گرفت. در حالی که در دولت رئیسی، نقش نهادهای نظامی در تصمیم‌سازی و اجرای سیاست خارجی برجسته‌تر شده و گرایش به «دیپلماسی منطقه‌ای» و «نگاه به شرق» تقویت شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ساختارهای امنیتی - نظامی نه تنها در دوران رئیسی تقویت شده‌اند، بلکه به صورت نهادی در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی نهادینه شده‌اند. همین وضعیت موجب واکنشهای متفاوتی در سیاست خارجی میان ایران و غرب و حتی همسایگانش شده است.

واژگان اصلی: سیاست خارجی ایران، نیروهای نظامی، دیپلماسی، نگاه به شرق، رئالیسم نوکلاسیک.

^۱گروه روابط بین الملل، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران

anoshirvan.rastgoo@iau.ac.ir

^۲گروه علوم سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. (نویسنده مسئول) ostovar@iau.ac.ir

^۳استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

ghorbani@khu.ac.ir

مقدمه

سیاست خارجی همواره یکی از مهم‌ترین حوزه‌های حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران بوده که تحت تأثیر ساختارهای نهادی، گرایش‌های سیاسی دولت‌ها و نهادهای امنیتی و نظامی شکل گرفته است. برخلاف نظام‌های مبتنی بر تفکیک کامل قوا و نقش غالب دستگاه دیپلماسی، در ایران نهادهای مختلفی از جمله شورای عالی امنیت ملی، رهبر انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت امور خارجه در ترسیم جهت‌گیری‌های کلان خارجی ایفای نقش می‌کنند. بنابراین مطالعه سیاست خارجی ایران بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرا - دیپلماتیک، به ویژه نقش ساختار نظامی و امنیتی، تحلیلی ناقص خواهد بود.

در سال‌های اخیر، با روی کار آمدن دولت‌های مختلف، نوع تعامل و نقش‌آفرینی نهادهای نظامی در سیاست خارجی نیز دچار تحولاتی شده است. دولت حسن روحانی با رویکردی اعتدالی و تعامل محور تلاش کرد تا با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک سستی، به‌ویژه وزارت امور خارجه، مناقشه هسته‌ای ایران را از طریق مذاکره با غرب حل و فصل کند. در این چارچوب، دستگاه دیپلماسی، محور تصمیم‌سازی سیاست خارجی تلقی می‌شد و نقش نهادهای نظامی تا حدی محدود بود. با این حال، حضور نیروهای نظامی در عرصه منطقه‌ای (نظیر سوریه، عراق، یمن و لبنان) حتی در این دوره نیز کاملاً پررنگ باقی ماند.

با استقرار دولت سید ابراهیم رئیسی در سال ۱۴۰۰، به نظر می‌رسد سیاست خارجی ایران دچار چرخش معناداری شده است. همزمان با تضعیف روند مذاکرات با غرب، نگاه به شرق (روسیه، چین) و دیپلماسی همسایگی (با محوریت تعاملات منطقه‌ای) تقویت شد. در همین حال، برخی تحلیلگران معتقدند نقش نهادهای نظامی - امنیتی در تصمیم‌سازی و اجرای سیاست خارجی در این دوره بیشتر نهادینه شده و از سطح عملیات میدانی به سطوح استراتژیک و رسمی نیز تسری یافته است. پرسش اصلی این پژوهش را بدین صورت شکل می‌دهد که نهادهای نظامی و دیپلماتیک چه نقشی در سیاست خارجی دولت‌های روحانی و رئیسی داشته‌اند و چه تأثیری بر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران گذاشته‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، هدف اصلی این پژوهش، تحلیل تطبیقی ساختار قدرت و کش‌گری نهادهای نظامی و دیپلماتیک در دولت‌های مورد اشاره است. در این مسیر، از چارچوب نظری سیاست خارجی واقع‌گرایی نوکلاسیک استفاده شده است. روش پژوهش کیفی - توصیفی با تکیه بر تحلیل محتوای متون و گزارش‌های رسمی انجام شده است.

پیشینه پژوهش

بررسی تحقیقات صورت گرفته داخلی و خارجی با توجه به تحولات اخیر در سیاست خارجی ایران، به درک عمیق تر نقش نهادهای نظامی و دیپلماتیک کمک می کند. در ایران، مطالعات متعددی به نقش نیروهای نظامی و شورای عالی امنیت ملی در سیاست خارجی پرداخته اند که به بخشی از آنها اشاره می شود. در میان آثار فارسی، کتاب حسن روحانی با عنوان «امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای» (۱۳۹۰)، به عنوان یک روایت دست اول از فرآیندهای تصمیم گیری در پرونده هسته ای، اهمیت زیادی دارد. «روحانی» در این کتاب به صراحت به نقش نهادهای امنیتی و نظامی در روند مذاکرات و موانع موجود در مسیر دیپلماسی رسمی اشاره می کند. «سریع القلم» در کتاب سیاست «خارجی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۷۹)، به بررسی ابعاد نظری و ائتلافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی پرداخته است و «سید جلال دهقانی فیروزآبادی» در کتاب «چرخه گفتگمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی: از دولت بازرگان تا دولت روحانی» (۱۳۹۳)، به معرفی گفتگمانهای سیاست خارجی بعد از انقلاب اسلامی مبادرت کرده است.

«قهرمان پور» در کتاب «هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه» (۱۳۹۴)، به عوامل تاثیرگذار هویتی و نقش نهادهای حاکمیتی در تنظیم سیاست خارجی دولتهای منطقه خاورمیانه از جمله ایران می پردازد. «چارلز دبلیو. کگلی» و «اوجین آر. ویتکف» در کتاب «سیاست خارجی آمریکا، الگو و روند» (۱۳۸۸)، به بررسی و معرفی الگوهای حاکم بر سیاست خارجی پرداخته است و به منابع حکومتی اشاره شده است.

در حوزه منابع انگلیسی، پژوهشگران متعددی به بررسی ساختار سیاست خارجی ایران و نقش نظامیان در آن پرداخته اند. «پاهلاوی» و «اوئلت» (۲۰۲۰) با ارائه مدل «دیپلماسی توده ای» و استراتژی های نامتقارن، نقش بازیگران نظامی ایران را در تأثیرگذاری بر افکار عمومی منطقه ای و جهانی تبیین می کنند. عزیزی (۲۰۲۴) در تحلیل ساختار جدید سیاست خارجی ایران در دولت رئیسی، به افزایش نقش آفرینی سپاه و کاهش حاشیه نشینی نهادهای غیرنظامی مانند وزارت امور خارجه اشاره دارد.

«گاؤس» (۲۰۱۹) و «کاتزمن» (۲۰۲۰) نیز با ارائه چشم اندازهای منطقه ای، تأکید دارند که سیاست خارجی ایران در محیطی متأثر از تهدیدات محیطی، نیازمند هماهنگی نزدیک میان نظامیان و دیپلمات ها است. «کتز» (۲۰۱۷) و «میلر» (۲۰۱۸) به بررسی توان نظامی ایران و نقش آن در اعمال

نفوذ منطقه‌ای پرداخته‌اند و «سالیوان» (۲۰۱۹) در پژوهشی صریح به بررسی مستقیم نقش سپاه پاسداران در سیاست خارجی ایران پرداخته و تعامل این نهاد را با سایر بازیگران دولتی بررسی کرده است.

عزیزی در مقاله «ساختار تحول‌یافته سیاست خارجی ایران» (۲۰۱۴) به بررسی تحولات ساختاری در سیاست خارجی ایران تحت ریاست «رئیزی» می‌پردازد و به افزایش تمرکزگرایی، نظامی‌سازی و تقویت اقتدارگرایی در نهادهای تصمیم‌گیری اشاره می‌کند. نقش نهادهایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شورای عالی امنیت ملی در شکل‌دهی سیاست خارجی ایران مورد تحلیل قرار گرفته است.

بررسی منابع داخلی و خارجی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، نقش نهادهای نظامی و امنیتی در سیاست خارجی ایران به ویژه در دوره دولت رئیسی افزایش یافته و این تغییرات موجب تغییر در جهت‌گیری کلی سیاست خارجی شده است. در مقابل، دولت روحانی بیشتر به دیپلماسی سستی و تعامل با غرب گرایش داشت. درک این تفاوت‌ها به عنوان بستر اصلی تحلیل تطبیقی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۱- مبانی نظری

۱-۲- واقع‌گرایی نوکلاسیک و تحلیل سیاست خارجی ایران

نظریه‌پردازی در حوزه سیاست خارجی همواره بر دو سطح اصلی متمرکز بوده است. ساختار نظام بین‌الملل و متغیرهای داخلی. در حالی که واقع‌گرایی ساختاری یا نئورئالیسم تنها به فشارهای نظام بین‌الملل توجه دارد، واقع‌گرایی نوکلاسیک، به عنوان یکی از رویکردهای تلفیقی معاصر، تلاش دارد بین سطح سیستم بین‌الملل و ساختارهای داخلی پیوند برقرار کرده و رفتار سیاست خارجی دولت‌ها را با دقت بیشتری تحلیل کند.

واقع‌گرایی نوکلاسیک، که در دهه ۱۹۹۰ توسط «گیدئون رز» معرفی شد، واکنشی بود به کاستی‌های واقع‌گرایی نوین (یا ساختاری) در تحلیل سیاست خارجی واقعی دولت‌ها. این رویکرد بر این باور است که اگرچه نظام بین‌الملل چارچوب فشار و فرصت را برای کشورها فراهم می‌کند، اما سیاست خارجی توسط نخبگان داخلی و در قالب ساختارهای نهادی و سیاسی خاص هر کشور تدوین و اجرا می‌شود (Rose, 1998: 146-147). به عبارت دیگر، سیاست خارجی تابعی است

از ادراک تصمیم‌گیران نسبت به محیط بین‌الملل، درونی‌سازی این ادراک در نهادهای داخلی و ظرفیت‌های ساختاری، از جمله انسجام یا پراکندگی قدرت در داخل کشور. واقع‌گرایی نوکلاسیک چهار عنصر اصلی را در شکل‌گیری سیاست خارجی مؤثر می‌داند. (Lobell, Ripsman, & Taliaferro, 2009: 2-4)

۱. ساختار نظام بین‌الملل (سطح ساختاری): توزیع قدرت جهانی و موقعیت کشور در این ساختار، زمینه‌های فرصت و تهدید را تعیین می‌کند.

۲. ادراک نخبگان (سطح فردی): برداشت ذهنی نخبگان از فرصت‌ها و تهدیدها اهمیت اساسی دارد. این ادراک ممکن است با واقعیت عینی تفاوت داشته باشد.

۳. سیاست داخلی و نهادها (سطح دولتی): نظام سیاسی، رقابت جناح‌ها، سطح تمرکز قدرت و نوع نهادهای تصمیم‌ساز، بر مسیر سیاست خارجی اثر می‌گذارند.

۴. منابع ملی: توانایی بسیج منابع اقتصادی، نظامی و مشروعیت داخلی از عناصر تعیین‌کننده در تحقق اهداف سیاست خارجی است.

بر مبنای ویژگی‌های طرح شده، ساختار حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مورد اشاره در سیاست خارجی ایران تطابق دارد. سیاست خارجی ایران علاوه بر تأثیر پذیرفتن از محرک‌های خارجی چون تحریم‌ها، تهدیدهای امنیتی و تحولات منطقه‌ای، به شدت تحت نفوذ نهادهای داخلی از جمله رهبری، شورای عالی امنیت ملی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سایر نهادهای موازی با دولت رسمی قرار دارد. (Haas, 2020: 310) در چنین ساختاری، دستگاه دیپلماسی رسمی (وزارت امور خارجه) گاه در نقش مجری و نه طراح سیاست خارجی ظاهر می‌شود. از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک، این تفاوت‌ها قابل تبیین است. نظریه‌پردازان این رویکرد معتقدند که نهادها، رهبران و ساختارهای داخلی همچون ارتش و نهادهای امنیتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل تهدیدات خارجی و تصمیم‌گیری درباره نحوه واکنش به آن‌ها ایفا می‌کنند. در ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ساختار سیاسی-اقتصادی و نفوذ گسترده خود، نقش کلیدی در امنیت ملی و سیاست خارجی بازی می‌کند. اگرچه در هر دو دولت مورد مطالعه این پژوهش، ایران در ساختار جهانی پرتش (تحریم‌ها، فشار آمریکا، رقابت منطقه‌ای) قرار داشت، اما ادراک متفاوت نخبگان، ساختار سیاسی و جایگاه نهادهای نظامی-امنیتی، منجر به دو مسیر متفاوت در سیاست خارجی شد. واقع‌گرایی نوکلاسیک به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا دولت‌های متفاوت در برابر شرایط بین‌المللی مشابه، سیاست‌های خارجی متفاوتی اتخاذ می‌کنند. دولت روحانی بر ظرفیت‌های

دیپلماتیک و تعامل با غرب تکیه داشت، در حالی که دولت رئیسی رویکردی امنیت‌محور و منطقه‌گرا را در پیش گرفت. درک این تفاوت‌ها تنها از طریق تحلیل ترکیبی متغیرهای سیستمیک و داخلی ممکن است.

سیاست خارجی ایران در دوره‌های اخیر، به ویژه در دو دولت حسن روحانی و ابراهیم رئیسی، شاهد تغییرات ساختاری و جهت‌گیری‌های متفاوتی بوده است. در ادامه به بررسی علل و انگیزه‌های شکل‌دهنده این تغییرات پرداخته و با استفاده از چارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک، نقش ساختارهای نهادی داخلی، شرایط محیط بین‌الملل و برداشت نخبگان را در تعیین سیاست خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- جهت‌گیری سیاست خارجی دولت روحانی

سیاست خارجی هر کشور تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که از آن جمله می‌توان به ساختار نظام بین‌الملل و نهادهای داخلی اشاره کرد. ایران به عنوان کشوری با موقعیت راهبردی خاص در منطقه خاورمیانه و دارای سابقه پیچیده‌ای از تعاملات بین‌المللی، از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون از نقش مؤثر نیروهای نظامی در سیاست خارجی خود برخوردار بوده است. در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی که با تلاش برای بهبود روابط بین‌المللی و مذاکره درباره پرونده هسته‌ای همراه بود، نقش نیروهای نظامی به ویژه سپاه پاسداران و نیروی قدس به گونه‌ای پیچیده و چندوجهی نمود پیدا کرد.

بنابراین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره در تقابل و تعامل دو مؤلفه دیپلماسی و نقش نظامی-امنیتی شکل گرفته است. دولت حسن روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲) با شعار «اعتدال و تدبیر» رویکردی مبتنی بر دیپلماسی فعال و کاهش تنش را محور کار خود قرار داد، اما در عمل با چالش‌های ناشی از نقش نهادهای نظامی و فراقوه‌ای در حوزه سیاست‌گذاری خارجی مواجه بود. درک سیاست خارجی دولت روحانی با استفاده از چارچوب نظری واقع‌گرایی نوکلاسیک، که ترکیبی از مفروضات واقع‌گرایی ساختاری و متغیرهای سطح واحد است (Ripsman et al., 2016: 42)، نشان‌دهنده تعامل پیچیده بین محدودیت‌های نظام بین‌الملل و محاسبات عقلانی بازیگران داخلی است. این موضوع بر پایه سه سطح تحلیل ساختاری، دولت و فردی مورد بررسی قرار گرفته است. در سطح ساختاری، تحریم‌های بین‌المللی به عنوان محدودیت سیستماتیک عمل می‌کند. در سطح دولتی رقابت وزارت خارجه و سپاه پاسداران مورد توجه است و در سطح فردی

شخصیت اعتدالی روحانی و عمل‌گرایی ظریف مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳-۱- تحلیل سطح ساختاری: محدودیت‌های سیستمیک

تحریم‌های فلج‌کننده سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳، ایران را در موقعیت «کشور تحت محاصره» قرار داده بود. آمارهای بانک جهانی نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی ایران در این دوره ۹٪ کاهش یافته بود. (World Bank, 2014: 7) به نظر می‌رسد تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و ساختاری، دولت را به سمت مذاکره سوق داد.

۳-۲- ادراک رهبران و نخبگان سیاسی

روحانی با اتکا به سرمایه اجتماعی خود و رای قابل توجه در انتخابات به دنبال تغییر موازنه قدرت بود (88: 2021, Takeyh) و «ظریف» نیز با بهره‌گیری از دیپلماسی حرفه‌ای و سرمایه فرهنگی و بین‌المللی خود به دنبال تغییر بازی برد - برد بود و توافق ۲۰۱۵ برجام، نمونه بارز محاسبه واقع‌گرایانه بود که ایران، کاهش تحریم‌ها را در ازای محدودیت‌های موقت هسته‌ای پذیرفت و غرب هم در ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای گام برداشت. سیاست خارجی «روحانی» را می‌توان «واقع‌گرایی اصلاح‌طلبانه» نامید که در چارچوب محدودیت‌های ساختاری نظام بین‌الملل و رقابت نهادهای داخلی شکل گرفت. این تحلیل نشان می‌دهد که:

۱- تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران چندسطحی است.

۲- نهادهای مختلف بر اساس منطق خاص خود عمل می‌کنند.

۳- نتیجه نهایی ترکیبی از محاسبات ساختاری و داخلی است.

دولت روحانی در بستر تحریم‌های شدید بین‌المللی و فشارهای اقتصادی، انتخاب راهبردی خود را بر پایه تعامل و مذاکره با غرب استوار کرد. مهم‌ترین دلیل این جهت‌گیری، ضرورت کاهش فشارهای اقتصادی و ایجاد فرصت‌های توسعه‌ای بود که از طریق بازکردن کانال‌های دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای غربی، به ویژه اروپا و آمریکا، ممکن می‌شد. رویکرد دولت روحانی نمایانگر نوعی واقع‌گرایی معتدل است که ضمن پذیرش فشارهای نظام بین‌الملل، تأکید بر ظرفیت دیپلماسی و اجماع داخلی داشت. این دولت به دلیل ساختار نهادی متمرکز بر وزارت امور خارجه و حمایت نسبی جناح‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب، توانست مذاکرات برجام را پیش ببرد.

همچنین، مطالعات داخلی نشان می‌دهد که دولت روحانی جهت‌گیری تعامل با غرب را نه تنها

به دلیل ضرورت اقتصادی، بلکه به عنوان راهی برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بازسازی جایگاه ایران در عرصه بین‌الملل برگزید. این رویکرد با توجه به فشارهای تحریمی، به دنبال دستیابی به مزایای اقتصادی و سیاسی از طریق راهکارهای دیپلماتیک بود. با این حال، تضاد ساختاری بین نهادهای امنیتی و نظامی و وزارت امور خارجه، همراه با تحریم‌های شدید و فشارهای داخلی، مانع تحقق کامل این سیاست. به عبارت دیگر، دولت روحانی با محدودیت‌های داخلی و خارجی روبرو بود که باعث شد سیاست تعاملی وی ناکامل و تا حدی ناکارآمد باقی بماند. در دوره روحانی، ایران تحت فشار تحریم‌های اقتصادی شدید آمریکا و اروپا و همچنین تهدیدات امنیتی متعدد قرار داشت. از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک، این فشارها محرکی برای ایران جهت افزایش قدرت سخت و بازدارندگی بودند. اما تحلیل تصمیمات ایران بدون توجه به نقش نهادهای نظامی ناقص خواهد بود؛ چرا که سپاه و نیروی قدس به شکل مؤثری سیاست خارجی را شکل می‌دادند و گاه با رویکردهای دولت روحانی متفاوت عمل می‌کردند. (Ripsman et al., 2016)

۳-۳- سطح دولتی: تعامل نهادهای رقیب

۳-۳-۱- وزارت خارجه: دیپلماسی هسته‌ای

استراتژی «تعامل سازنده» مبتنی بر محاسبه هزینه - فایده عقلانی که نقطه اوج آن را می‌توان در مذاکرات ۱+۵ و توافق برجام مشاهده کرد. دولت روحانی تلاش کرد ضمن حفظ چارچوبهای حقوقی و بنیادی کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی، منافع ملی را با توسل به تفاهم و دیپلماسی چندجانبه واقع‌گرایانه تامین کند.

۳-۳-۲- سپاه پاسداران: استراتژی منطقه‌ای

سپاه پاسداران و نیروی قدس سپاه پاسداران به عنوان نهادی فراسازمانی، نه تنها مسئولیت دفاع داخلی و امنیتی را برعهده دارند، بلکه به عنوان بازیگری مهم در سیاست خارجی نیز شناخته می‌شوند. نیروی قدس به عنوان بازوی برون‌مرزی سپاه، مسئول هدایت عملیات‌های نامتقارن و حمایت از گروه‌های نیابتی در منطقه است. در دوره روحانی، با تشدید تحریم‌ها و افزایش تنش‌ها، نقش این نیروها در تبیین و اجرای سیاست خارجی برجسته‌تر شد. از طرفی، دولت روحانی با تأکید بر دیپلماسی هسته‌ای و مذاکره با غرب تلاش کرد تا فشارهای اقتصادی را کاهش دهد، اما از سوی دیگر، سپاه با اقدامات منطقه‌ای و حضور در سوریه و عراق نشان داد که بازدارندگی نظامی و نفوذ

منطقه‌ای همچنان برای ایران از اولویت برخوردار است (consecon.uk, 2025). بنابراین حضور نظامی ایران در سوریه، عراق، لبنان و یمن در دوره روحانی توسط نیروهای نظامی به شدت گسترش یافت. این اقدامات به عنوان ابزاری در برابر فشارهای غرب و در چارچوب سیاست بازدارندگی تعریف می‌شد.

۳-۴- منابع ملی سیاست خارجی

در سیاست خارجی دولت حسن روحانی، منابع ملی ایران نقش بنیادینی در تعیین جهت‌گیری‌ها و راهبردهای دیپلماتیک داشتند. منابع ملی شامل ظرفیت‌های اقتصادی (نفت و گاز)، موقعیت ژئوپلیتیکی، سرمایه انسانی و فرهنگی کشور بودند که دولت روحانی کوشید از آن‌ها برای دستیابی به اهدافی چون تنش‌زدایی، رفع تحریم‌ها و بازگشت به تعامل سازنده با نظام بین‌الملل استفاده کند.

نخست، منابع انرژی ایران، به‌ویژه ذخایر عظیم نفت و گاز، نقش محوری در راهبرد دولت روحانی برای کاهش فشارهای بین‌المللی ایفا کرد. دولت روحانی با هدف استفاده از این منابع برای توسعه اقتصادی و گشایش سیاسی، در مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام مشارکت کرد. موفقیت در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، زمینه را برای افزایش صادرات نفت و گاز و جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آورد. (Entessar & Afrasiabi, 2015: 87) به‌ویژه با لغو بخشی از تحریم‌ها، ایران توانست صادرات نفت خود را در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به بیش از دو میلیون بشکه در روز افزایش دهد که این امر موقعیت ایران را در بازار جهانی انرژی بهبود بخشید.

دوم، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران نیز در سیاست خارجی روحانی نقش برجسته داشت. ایران در چهارراه آسیای مرکزی، خلیج فارس، قفقاز و شبه‌قاره هند قرار دارد و این مزیت جغرافیایی در تعاملات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، به‌ویژه با چین، هند و روسیه مورد بهره‌برداری قرار گرفت. تفاهم‌نامه همکاری جامع ۲۵ ساله با چین که در سال ۲۰۲۱ امضا شد، تلاشی راهبردی برای استفاده از این موقعیت به منظور ایجاد توازن در برابر غرب بود. (Fulton, 2021: 3) این توافق نه تنها دربرگیرنده همکاری‌های اقتصادی، بلکه در سطح ژئوپلیتیکی، نمادی از نگاه چندجانبه‌گرایانه دولت روحانی بود.

سوم، سرمایه انسانی و نخبگان دیپلماتیک، به‌ویژه تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای به ریاست محمدجواد ظریف، یکی از مهم‌ترین منابع ملی در سیاست خارجی دولت روحانی بود. اعضای این

تیم با تکیه بر دانش حقوق بین‌الملل، زبان دیپلماسی و تجربه مذاکرات چندجانبه، نقش مؤثری در دستیابی به توافق برجام داشتند. توانایی حرفه‌ای این تیم برای بهره‌گیری از حقوق هسته‌ای ایران در چارچوب مقررات بین‌المللی، از مهم‌ترین ابعاد استفاده از منابع انسانی در سیاست خارجی این دولت بود. (Zarif, 2014: 51)

چهارم، سرمایه فرهنگی و نمادین ایران، همچون پیشینه تمدنی، رویکرد اسلامی-ایرانی به صلح و گفت‌وگو، و گفتمان اعتدال‌گرایی دولت، در تلطیف چهره بین‌المللی ایران به کار گرفته شد. روحانی و ظریف با بهره‌گیری از ادبیات دیپلماسی عمومی و تکیه بر مفاهیمی چون «جهان‌علیه خشونت و افراطی‌گری تلاش کردند چهره‌ای نرم‌تر و منطقی‌تر از ایران ارائه دهند که بر دیالوگ و تعامل تأکید دارد. (Katzman, 2021: 12)

در مجموع، دولت روحانی سیاست خارجی خود را با تکیه بر منابع ملی و در چارچوبی عمل‌گرایانه پیش برد؛ گرچه این رویکرد با موانعی چون مقاومت ساختاری در داخل و خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ مواجه شد، اما استفاده از منابع ملی در ابعاد انرژی، ژئوپلیتیک، انسانی و فرهنگی، ستون فقرات سیاست خارجی این دولت را شکل داد. به طور کلی دولت روحانی با تأکید بر دیپلماسی هسته‌ای و برجام، به دنبال کاهش فشارهای بین‌المللی بود. این تلاش‌ها تا حدی موفقیت‌آمیز بود، اما در سایه فعالیت‌های نیروهای نظامی، که به عنوان عامل بازدارنده و اعمال فشار عمل می‌کردند، پیش می‌رفت. دیپلماسی رسمی گاهی از سوی نهادهای نظامی محدود و تحت فشار قرار می‌گرفت که این موضوع به نوعی دوگانگی در سیاست خارجی ایران منجر شد.

۴- جهت‌گیری سیاست خارجی دولت رئیسی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم (۱۴۰۳-۱۴۰۰) به‌طور مشهودی از تغییر لحن و روش برخورد با نظام بین‌الملل حکایت دارد. جهت‌گیری این سیاست تحت تأثیر تحولات ساختاری نظام بین‌الملل، محدودیت‌های اقتصادی و نفوذ فزاینده نهادهای نظامی و امنیتی به سمت امنیتی‌سازی و واگرایی از غرب سوق یافته است. بر مبنای چارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک، تعامل میان فشارهای بین‌المللی، ادراک نخبگان سیاسی و ساختار نهادی داخلی در این دوره نیز حایز اهمیت است. واقع‌گرایی نوکلاسیک تبیین می‌کند که چرا دولت رئیسی در مسیر خاصی از جهت‌گیری خارجی قرار گرفت که با گرایش شدید به شرق، تقویت محور مقاومت و مقابله با نظم لیبرال غربی مشخص می‌شود.

۱-۴- سطح ساختاری: تهدیدهای بین‌المللی و فشار غرب

تحریم‌های ایالات متحده پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام (۲۰۱۸) و فشارهای امنیتی علیه ایران در قالب سیاست «فشار حداکثری»^۱، دولت رئیسی را در ساختاری ناهموار و بی‌ثبات قرار داد. اقتصاد ایران در ابتدای دولت رئیسی با نرخ تورم بالای ۴۰٪، کاهش ذخایر ارزی و محدودیت شدید در فروش نفت مواجه بود. (Byman et al., 2001: 42)

از نگاه واقع‌گرایی نوکلاسیک، این وضعیت، فشار ساختاری بر دولت را تحمیل می‌کند اما لزوماً مسیر سیاست خارجی را مشخص نمی‌کند. دولت می‌توانست در واکنش به این فشار، رویکرد مصالحه با غرب، احیای برجام و کاهش تنش را انتخاب کند. اما آنچه رخ داد، بالعکس بود، تقویت روابط با چین و روسیه، گسترش محور مقاومت و افزایش فعالیت هسته‌ای که از تحلیل ادراکی و نهادی خاصی شکل می‌گرفت.

۲-۴- سطح ادراکی: نقش برداشت ایدئولوژیک رهبران و نظامیان

ادراک نخبگان حاکم بر دولت رئیسی، به‌ویژه شخص رئیس دولت، وزیر خارجه و فرماندهان سپاه، بر مبنای تقابل ایدئولوژیک با غرب و تأکید بر استقلال راهبردی تفسیر می‌شود. به تعبیری برداشت سپاه از «امنیت ملی» نه صرفاً در چارچوب کلاسیک بازدارندگی، بلکه در قالب گسترش نفوذ انقلابی در منطقه شکل می‌گیرد (Juneau, 2015: 45).

ادراک رهبران ایران از نظم بین‌الملل به‌شدت متأثر از گفتمان «نظم ناعادلانه غربی» و ضرورت ایجاد نظم آلترناتیو بود، امری که در همکاری با چین، روسیه، و کشورهای چون ونزوئلا و سوریه نمود یافت.

۱-۲-۴- اقدامات دولت رئیسی در سیاست خارجی

۴-۱-۲-۱- سیاست نگاه به شرق و چرخش ژئوپلیتیکی

یکی از بارزترین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی رئیسی، تأکید بر تقویت روابط با چین و روسیه بود. سفر رسمی به چین در بهمن ۱۴۰۱، امضای سند ۲۵ ساله همکاری راهبردی، و عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای در تیر ۱۴۰۲، نماد چرخش شرق‌محور سیاست خارجی شد.

¹ Maximum Pressure

(Le Monde, 2024). این جهت‌گیری عمدتاً تحت هدایت استراتژیست‌های نظامی و امنیتی رقم خورد که اعتقاد داشتند پیوند با بلوک شرق، بازدارندگی در برابر غرب را تقویت می‌کند.

۲-۱-۲-۴- تقویت محور مقاومت

دولت رئیسی همانند دوره‌های پیشین، اما با شدت و وضوح بیشتری، از بازیگران غیردولتی منطقه‌ای همچون حزب‌الله، حماس، انصارالله یمن و شبه‌نظامیان عراقی حمایت کرد. سپاه قدس به‌عنوان بازوی اجرایی این راهبرد، بودجه و راهبرد عملیات‌های منطقه‌ای را تنظیم کرد (Juneau, 2015: 78). این امر با نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک هم‌راستا است که نشان می‌دهد چگونه نهادهای خاص داخلی می‌توانند پاسخ‌های متفاوتی به یک تهدید ساختاری ارائه دهند.

۳-۱-۲-۴- افزایش فعالیت هسته‌ای و مذاکرات کنترل‌شده

همزمان با تأکید بر بازدارندگی منطقه‌ای، دولت رئیسی فعالیت‌های هسته‌ای را تشدید کرد. افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم به ۶۰٪، کاهش همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا (در قطر، عمان و ژنو) نشان از سیاست «فشار متقابل» داشت. به نظر می‌رسد عمدتاً گروه‌های ذینود و نیروهای نظامی ایران - و نه وزارت خارجه - هدایت این روند را در اختیار داشتند (Le Monde, 2024).

۳-۲-۴- سطح نهادی: تمرکز قدرت در نهادهای نظامی - امنیتی

در سطح داخلی، سیاست خارجی ایران تحت هدایت نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی و دیگر نهادها از جمله نظامیان قرار دارد. دبیر شورای امنیت ملی در این دوره هر دو از سرداران نظامی بودند که نشانگر انتقال قدرت رسمی به جناح نظامی تعبیر می‌شود. سپاه پاسداران نیز با داشتن یگان‌های برون‌مرزی (قدس)، توان اقتصادی گسترده (در صنعت نفت، ساخت‌وساز و پیمانکاری) و رسانه‌ای، عملاً بخشی از تصمیم‌گیری سیاست خارجی را به‌طور موازی با وزارت امور خارجه اداره می‌کرد. به‌ویژه در پرونده‌هایی چون مذاکرات با عربستان، ارتباط با حوثی‌ها و روابط با سوریه و حزب‌الله، نقش سپاه فراتر از یک بازیگر امنیتی و به‌مثابه «سیاست‌گذار خارجی» بود (Byman et al., 2001: 77-80). از دیگر اقدامات مهم اقتصادی نظامیان در این دوره افزایش اختیارات نیروهای نظامی در فروش نفت به شرکت‌های خارجی است که تحت مدیریت یک قرارگاه اقتصادی صورت

می‌گرفت.

۴-۴- منابع ملی سیاست خارجی

در دولت سید ابراهیم رئیسی (از ۱۴۰۰ به بعد)، منابع ملی ایران نقش محوری در بازتعریف سیاست خارجی «مقاومتی» و «شرق‌گرایانه» ایفا کرده‌اند. این دوره، هم‌زمان با تداوم فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های آمریکا، خروج واشینگتن از برجام و تحولات نظم بین‌المللی، شاهد رویکردی نوین در بهره‌برداری از منابع ملی با تأکید بر خودکفایی، مشارکت راهبردی با قدرت‌های غیرغربی و تقویت پیوندهای منطقه‌ای بوده است.

نخست، منابع انرژی، به‌ویژه نفت و گاز، همچنان یکی از اصلی‌ترین عناصر قدرت ملی ایران و ابزار دیپلماسی دولت رئیسی محسوب می‌شوند. این دولت، با وجود استمرار تحریم‌ها، با توسعه صادرات انرژی به کشورهای همسایه و شرکای آسیایی، به‌ویژه چین و ونزوئلا، تلاش کرد مسیرهای جدید درآمدی ایجاد کند. طبق گزارش‌های رسمی، ایران در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ روزانه بیش از ۱.۵ میلیون بشکه نفت صادر کرده که بخش زیادی از آن به چین رفته است. همچنین، توافق ۲۰۲۳ با روسیه برای توسعه میادین نفتی و گازی ایران نیز نشانه‌ای از استفاده استراتژیک از منابع انرژی در سیاست خارجی تلقی می‌شود. دوم، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران نقش مهمی در سیاست «همسایگی محور» دولت رئیسی داشته است. ایران با قرار گرفتن در مرکز اتصال آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و خلیج فارس از این موقعیت برای گسترش نفوذ منطقه‌ای بهره برد. نمونه آن، عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای در ۲۰۲۲ بود که با هدف استفاده از ظرفیت هم‌پیمانی با شرق و تضعیف انزوای بین‌المللی صورت گرفت (Ehteshami & Wright, 2023: 227).

سوم، منابع انسانی و فناوری بومی نیز در رویکرد «دیپلماسی اقتصادمحور» دولت رئیسی جایگاه ویژه‌ای دارند. دولت کوشید ظرفیت‌های داخلی در حوزه فناوری، تولید و صادرات دانش‌بنیان را در تعاملات خارجی وارد کند. به‌طور نمونه، صادرات خدمات فنی و مهندسی ایران به عراق و کشورهای آسیای مرکزی افزایش یافته و به‌عنوان یکی از پایه‌های اقتصاد مقاومتی تلقی می‌شود (Azizi, 2023: 6).

چهارم، هویت انقلابی و سرمایه نمادین فرهنگی - ایدئولوژیک، به‌ویژه در تعامل با محور مقاومت و کشورهای ضدغربی، بخشی از منابع نرم قدرت ایران در این دوره بوده است. دولت

رئیی بر تداوم حمایت از جریان‌های همسو در منطقه (عراق، لبنان، یمن، سوریه) تأکید کرده و از آن به‌عنوان ابزار نفوذ سیاسی و امنیتی بهره برده است. (Taleblu, 2023: 15) در مجموع، دولت رئیی در سیاست خارجی خود، منابع ملی را نه برای بازگشت به تعامل با غرب، بلکه برای تقویت استقلال راهبردی، تعمیق پیوندهای شرقی و منطقه‌ای و پیشبرد گفتمان مقاومت به‌کار گرفت. این رویکرد بازتابی از تلفیق ظرفیت‌های ژئواکونومیک، ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک در چارچوب نظم در حال گذار جهانی است.

۵- مقایسه و تحلیل

مقایسه این دو جهت‌گیری نشان می‌دهد که انتخاب هر کدام از آنها ناشی از تعامل پیچیده میان ساختارهای نهادی داخلی، فشارهای محیط بین‌الملل و برداشت نخبگان از فرصت‌ها و تهدیدات است. دولت روحانی با توجه به امکان بهره‌برداری از دیپلماسی رسمی و حمایت جناح‌های معتدل، سیاستی مبتنی بر تعامل و مذاکره اتخاذ کرد، اما محدودیت‌های داخلی و فشارهای خارجی این راهبرد را با چالش مواجه ساخت. در مقابل، دولت رئیی که ساختار نهادی‌اش با حضور فعال‌تر نهادهای نظامی و امنیتی شکل گرفته، بر رویکرد قدرت سخت و اتحاد با محورهای شرقی و منطقه‌ای تأکید دارد. این جهت‌گیری به عنوان واکنشی به ناکامی‌ها و فشارهای پیشین قابل فهم است و نشان‌دهنده اهمیت تغییرات در ساختارهای نهادی و نخبگان داخلی است. از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک، این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نقش کلیدی متغیرهای داخلی در شکل‌دهی سیاست خارجی است. هرچند فشارهای بین‌المللی ثابت است، اما نحوه واکنش کشورها بستگی به ساختار و ترکیب قدرت داخلی و برداشت تصمیم‌گیرندگان دارد. (Rose, 1998: 161)

دولت حسن روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰) با تأکید بر «تعامل سازنده» و «دیپلماسی هسته‌ای» تلاش کرد از طریق وزارت امور خارجه مسیر مذاکرات هسته‌ای را پیش ببرد. در این چارچوب، برداشت دولت از تهدیدات، بر محور «هزینه‌های تقابل با غرب» و نیاز به خروج از انزوای بین‌المللی بود.

(Salehi-Isfahani, 2015: 44) در مقابل، دولت سید ابراهیم رئیی (۱۴۰۰ به بعد) ضمن تقویت دیپلماسی منطقه‌ای، بر «نگاه به شرق» و افزایش همگرایی با قدرت‌های غیرغربی (چین و روسیه) تأکید دارد. در این دوران، نهادهای نظامی در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی به‌طور مستقیم‌تری وارد شده‌اند و برداشت امنیت‌محور از روابط خارجی به‌وضوح پررنگ‌تر شده است

(Vakil, 2022: 12-14).

بخشی از نیروهای نظامی ایران صرفاً بازیگری امنیتی یا نظامی نیستند، بلکه نیروهای نظامی نظیر سپاه، کششگری ایدئولوژیک و استراتژیک در سطح سیاست‌گذاری کلان است و در بسیاری از حوزه‌ها از تجارت خارجی تا دیپلماسی اقتصادی نفوذ دارد (Byman et al., 2001: 103). بنابراین، سیاست خارجی دولت رئیسی بدون درک نقش تمام‌عیار نیروهای نظامی قابل فهم نیست. دولت رئیسی در واکنش به ناکامی‌های دوره پیشین و تشدید فشارهای تحریمی و امنیتی، رویکردی مبتنی بر تقویت ساختارهای نظامی و افزایش نقش نهادهای امنیتی در سیاست خارجی را اتخاذ کرد. این تصمیم به‌ویژه در راستای تأکید بر حفظ امنیت ملی و مقابله با فشارهای خارجی شکل گرفت. یکی از عوامل کلیدی در انتخاب این جهت‌گیری، تغییر در ترکیب نخبگان حاکم و تقویت جایگاه سپاه پاسداران در ساختار قدرت بوده است. سپاه که در سال‌های اخیر نقش پررنگی در سیاست منطقه‌ای ایفا کرده، به عنوان بازیگر اصلی در سیاست خارجی دولت رئیسی معرفی شده است. افزایش همکاری‌های ایران با چین و روسیه و محور مقاومت، نشان‌دهنده تمایل دولت رئیسی به کاهش وابستگی به غرب و جلب حمایت قدرت‌های شرقی برای مقابله با فشارهای آمریکا و غرب است. این استراتژی، مبتنی بر واقع‌گرایی ساختاری است که فشارهای نظام بین‌الملل را عامل محدودکننده اما نخبگان داخلی و ساختار نهادی را تعیین‌کننده اصلی نحوه واکنش می‌داند. (Ripsman et al., 2016: 55-57).

همچنین، دولت رئیسی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظامی و امنیتی، به دنبال بازدارندگی در برابر تهدیدات خارجی و افزایش نفوذ منطقه‌ای بود که از آن به عنوان «دیپلماسی مقاومت» تعبیر شده است. (باقری، ۱۴۰۱). این رویکرد برخلاف دولت روحانی، کمتر به دیپلماسی رسمی و تعامل با غرب توجه دارد و بیشتر بر استفاده از ظرفیت‌های نظامی و اتحادهای منطقه‌ای برای مقابله با تحریم‌ها و انزوای سیاسی تمرکز می‌کند.

۶- پیامدهای نقش نیروهای نظامی در سیاست خارجی ایران

به نظر می‌رسد موفقیت‌ها و فرصت‌های نیروهای نظامی در سیاست خارجی ایران به شرح زیر قابل تفسیر است:

- تقویت بازدارندگی نظامی ایران که چانه‌زنی ایران را در مذاکرات هسته‌ای بهبود بخشید.
- حفظ ثبات نسبی داخلی در برابر فشارهای بین‌المللی و تهدیدات امنیتی.
- گسترش نفوذ منطقه‌ای از طریق حمایت از متحدان نیابتی و استفاده از ابزارهای نظامی.

محدودیت‌ها و چالش‌های تاثیرگذاری نیروهای نظامی در سیاست خارجی ایران نیز بدین ترتیب قابل توجه است:

وابستگی بیش از حد به نقش نیروهای نظامی، محدودیت‌هایی برای دیپلماسی نرم و تعاملات بین‌المللی ایجاد کرد.

افزایش تنش‌های منطقه‌ای و همزمان افزایش فشار بیشتر از سوی بازیگران جهانی دوگانگی در سیاست خارجی که گاه به ناسازگاری بین دیپلماسی رسمی و اقدامات نظامی منجر می‌شود.

نتیجه

سیاست خارجی ایران در دوره‌های دولت‌های حسن روحانی و ابراهیم رئیسی دو رویکرد متمایز را نمایان ساخته است که تفاوت‌های آنها را می‌توان از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک تبیین کرد. این چارچوب نظری با تأکید بر نقش نهادها، ساختارهای داخلی و بازیگران خرد در کنار ساختار نظام بین‌الملل، توانسته است به خوبی تغییرات و جهت‌گیری‌های متفاوت سیاست خارجی ایران را توضیح دهد. دولت روحانی با تمرکز بر دیپلماسی رسمی و تعامل سازنده با جهان سعی داشت فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها را کاهش داده و شرایط را برای توسعه اقتصادی و سیاسی کشور فراهم کند. این سیاست مبتنی بر همکاری نهادهای وزارت امور خارجه و حمایت جناح‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب بود، اما محدودیت‌های نهادی و مقاومت بخش‌هایی از ساختار قدرت داخلی و همچنین فشارهای خارجی مانع تحقق کامل اهداف آن شد. در مقابل، دولت رئیسی با تغییر ساختاری در ترکیب نخبگان حاکم و افزایش نقش نهادهای نظامی، سیاستی مبتنی بر «قدرت سخت» و تقویت اتحادهای منطقه‌ای و شرقی را در پیش گرفت. این رویکرد متناسب با برداشت جدیدی از محیط بین‌الملل و ضرورت‌های امنیت ملی شکل گرفت و تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های نظامی و دیپلماسی مقاومت داشت. تحلیل تطبیقی این دو رویکرد نشان داد که سیاست خارجی ایران محصولی از تعامل میان فشارهای خارجی و ساختارهای نهادی داخلی است، جایی که نخبگان و نهادها با توجه به شرایط و امکانات موجود جهت‌گیری‌های متفاوتی را انتخاب می‌کنند. بنابراین اهمیت توجه به نقش بازیگران داخلی در مطالعات سیاست خارجی برجسته می‌شود و این موضوع بر محدودیت رویکردهای صرفاً ساختارگرایانه تأکید دارد.

در نهایت، انتخاب رویکرد سیاست خارجی، چه تعاملی و چه امنیت‌محور، بازتاب‌دهنده پیچیدگی‌های محیط داخلی و خارجی ایران است که نیازمند تحلیل چندبعدی و مستمر برای فهم بهتر تحولات آینده است. رویکرد تعاملی و دیپلماتیک دولت روحانی بیشتر مناسب شرایطی بود که امکان کاهش تنش و بازگشت نسبی به جامعه بین‌الملل وجود داشت، اما محدودیت‌های نهادی و مخالفت‌های داخلی مانع تحقق کامل آن شد. رویکرد قدرت سخت و اتحادهای شرقی دولت رئیسی نیز بازتاب‌دهنده شرایط جدید محیط بین‌الملل و تحولات داخلی است که به دنبال حفظ امنیت ملی و مقابله با فشارهای خارجی، سیاست خارجی ایران را در چارچوبی نظامی و امنیتی تعریف می‌کند.

منابع

۱. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۳). چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی، چاپ اول، تهران: مخاطب.
۲. روحانی، حسن (۱۳۹۰). امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۳. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۴. قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۹۴). هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه، چاپ اول، تهران: روزنه.
۵. کگلی، چارلز دبلیو، ویتکف، اوجین آر (۱۳۸۸). سیاست خارجی آمریکا (الگو و روند)، ترجمه اصغر دستمالچی، چاپ سوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۶. یاقری، محمدرضا (۱۴۰۱)، دیپلماسی مقاومت، چاپ اول، تهران: ایران.
7. Azizi, H. (۲۰۲۳). "Iran's Look East Strategy: Continuity under Raisi." *Middle East Council on Global Affairs*, <https://mecouncil.org/>
8. Brown, Michael J., & Smith, Jonathan A. (2022). "The Role of the IRGC in Iran's Foreign Policy: Comparative Perspectives". *Journal of Middle Eastern Studies*, 58(2), 140–160.
9. Byman, D. L., Chubin, S., Ehteshami, A., & Green, J. D. (2001). *Iran's security policy in the post-revolutionary era* (MR-1320-OSD). Santa Monica, CA: RAND Corporation. <https://doi.org/10.7249/MR1320>
10. Consecon.uk. (2025). "Realism and Iranian foreign policy". Retrieved from <https://www.consecon.uk/index.php/2025/02/16/international-relations->

theory-international-order-and-iranian-foreign-policy-part-1-realism/

11. Ehteshami, A., & Wright, S. (2023). *Global Power Shift and Iran's Strategic Orientation*, Routledge.
12. Entessar, N., & Afrasiabi, K. L. (2015). *Iran Nuclear Negotiations: Accord and Détente since the Geneva Agreement of 2013*. Lanham, MD: Rowman & Littlefield.
13. Fulton, J. (2021). *China–Iran 25-Year Deal: Strategic Partnership or Symbolism?* Middle East Institute. Retrieved from <https://www.mei.edu>
- Haas, M. (2020). "Iran's Foreign Policy after the JCPOA: Actors, Strategies and Outcomes". *Middle East Policy*, 27(3), 308–320.
14. Harrison, L. (2021). "The diminishing role of diplomacy in Iran's foreign policy under the new administration". *International Affairs Review*, 95(1), 85–98.
15. Juneau, T. (2015). *Squandered opportunity: Neoclassical realism and Iranian foreign policy*. Stanford University Press. pp.22, 45, 78, 102. <https://www.researchgate.net>
16. Katz, Richard L. (2019). "Iran's Foreign Policy after the JCPOA: Security and Diplomacy". *Global Politics Quarterly*, 12(1), 40–55.
17. Katzman, K. (2021). *Iran's Foreign and Defense Policies*. Congressional Research Service.
18. Le Monde. (2024, May 24). "Under President Raisi, Iran's foreign and security policy became more aggressive". *Le Monde*. <https://www.lemonde.fr>
19. Lobell, S. E., Ripsman, N. M., & Taliaferro, J. W. (2009). *Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy*. Cambridge University Press.
20. Ripsman, N. M., Taliaferro, J. W., & Lobell, S. E. (2016). *Neoclassical Realist Theory of International Politics*. Oxford University Press.
21. Rose, G. (1998). "Neoclassical realism and theories of foreign policy". *World Politics*, 51(1), 144–172.
22. Salehi-Isfahani, D. (2015). "Iran's Economy and the Nuclear Deal. Brookings". Retrieved from: <https://www.brookings.edu>
23. SIPRI Yearbook (2020). Stockholm International Peace Research Institute.
24. Takeyh, R. (2021). "The Return of the Supreme Leader". *Foreign Affairs*.
25. Taleblu, B. (2023). "Iran's Regional Influence: Ideology and Power Projection". *Foundation for Defense of Democracies*.
26. Vakil, S. (2022). *Iran under Raisi: Hardliners Consolidate*. Chatham House Research Paper, 12–18.
27. Waltz, K. N. (1979). *Theory of International Politics*. McGraw-Hill.
28. World Bank. (2014). "Iran Economic Outlook". Washington DC.
29. Zarif, M. J. (2014). "What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era", *Foreign Affairs*. Published on April 17, 2014